

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: خاویر تولکاجئیر  
برگردان از: نگین فلکشاهی  
فرستنده: عثمان حیدری  
۲۶ فبروری ۲۰۱۹

## ملت و کشور ونزوئلا تحت محاصره

فاصله زیادی بین واقعیت و دروغ وجود دارد؛ ما معمولاً درباره ونزوئلا اظهارات دروغین در فرمت‌های متنوعی از طریق روش هژمونیک می‌شنویم که منجر به سردرگمی در این زمینه می‌شود.

خاویر تولکاجئیر "نویسنده تارنمای خبری "تله‌سور" ونزوئلا در گزارش خود نوشت: سرزمین بولیواری ونزوئلا تحت محاصره قرار گرفته و شاهد بسیاری از جنگ‌ها بوده است.

\*\*\*\*\*

**ونزوئلا کشوری است که مردم و دولت آن تحت محاصره قرار گرفته‌اند.**

این محاصره زمانی آغاز شد که "نیکلاس مادورو" رئیس جمهوری ونزوئلا شروع به ادامه راه انقلاب بولیواری کرد، زیرا وی معتقد بوده که براساس این انقلاب می‌توان این کشور کارائیبی و منطقه آمریکای لاتین را از سلطه اقتصادی و سیاسی محافل نخبه‌گرا و دیدگاه وابسته به منافع ایالات متحده آزاد و آن را نجات داد.

به علاوه، این کشور شاهد شورش‌های مردمی تحت رهبری "هوگو چاوز فریاس" رئیس جمهور فقید ونزوئلا بود.

در آن زمان ونزوئلایی‌ها دخالت‌های ناشی از نخبگان در این کشور را رد کردند.

زیرا نخبگان پس از سقوط دیکتاتور "مارکوس پرز خیمنز" دیکتاتور سابق ونزوئلا (که وی مورد حمایت امریکا بود) به دنبال غارت اقتصادی و سیاسی این کشور به مدت ۴۰ سال بوده‌اند.

براساس نظام دموکراسی بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین، هیچ موضوعی بدون نظر و تصمیم مردم این کشورها تغییر پیدا نمی‌کند.

به این ترتیب، دولت ونزوئلا به منظور کنترل منابع اصلی اقتصادی خود از جمله نفت و قرار دادن رفاه اکثریت مردم ونزوئلایی در اولویت برنامه کاری خود، پیشنهاد ادامه قانون اساسی که در دوره ریاست چاوز در سال ۱۹۹۹ به تصویب رسیده بود، را مطرح کرد.

لازم به ذکر است که آخرین تغییر در قانون اساسی ونزوئلا در سال ۱۹۹۹ در دوران ریاست جمهوری هوگو چاوز انجام شد و مادورو قصد داشت آن را جایگزین قانون اساسی کنونی کشور کند که به گفته او قانون اساسی این کشور می باید در چارچوب "مردمی، شهروند مدار و کارگری" باشد و نه "قانون احزاب سیاسی".

به این ترتیب، از آن زمان تا کنون، انقلاب بولیواری متحمل حملات پی در پی از سوی منافقان خود شده است.

"خاویر تولکاجنیر" در ادامه گزارش خود به انواع جنگ هائی که علیه انقلاب بولیواری رخ داده است، اشاره کرد. همانطور که جنگ هائی علیه کشوری با اقدامات خشونت آمیز همراه است، خشونت ها و جنگ ها علیه ونزوئلا نیز در شرایط مختلفی رخ داده است، از جمله جنگ علیه جنبش مردمی چاوز و پیروزی های انتخاباتی این کشور.

در حالی که تمامی این حملات با تاکتیک های مختلف علیه ونزوئلا به وقع پیوسته و توسعه یافته است.

این یک ستراتیژی چند بعدی است که هدف آن پایان دادن به تکامل اجتماعی ونزوئلا بوده است.

این جنگ ها عبارتند از:

### **جنگ سیاسی؛ یک جنگ اجتماعی، فرهنگی**

پس از گذشت ۲۰ سال از تصویب قانون اساسی هوگو چاوز در سال ۱۹۹۹، این کشور شاهد ۲۵ فراخوان انتخاباتی، از جمله انتخابات ریاست جمهوری، مجلس قانونگذاری، منطقه ئی، شهرداری و ... بوده است.

بنابراین، بخش های مخالف دولت ونزوئلا سعی کرده اند تا جریان تحولات را در این کشور بولیواری متوقف کنند و آنها اقدامات خشونت آمیز خود علیه ونزوئلا را از طریق کودتا، خرابکاری، محاصره و تحریم های تجاری و مالی، اقدامات خشونت آمیز خیابانی، تحریم انتخابات، اعتصاب، محاصره قانونی، ترور رئیس جمهور ونزوئلا (مادورو)، حملات علیه تأسیسات غیر نظامی و نظامی و نادیده گرفتن استقلال این کشور به اجراء در آورده اند.

اما، چاویمس با تکیه بر قدرت سیاسی و بر اساس سازمان ها و ریشه های قوی مردمی و آگاهی سیاسی و نیروهای نظامی-مدنی خود در برابر این حملات ایستادگی کرده است.

این در حالی است که مخالفان ونزوئلایی تنها از سوی رسانه های خصوصی خود و سازمان های توطئه آمیز از جمله امریکا حمایت می شوند.

جنگ الیگارشسی علیه انقلاب بولیواری در نهایت یک مبارزه به منظور انکار شرافت و برابری حقوق برای بشریت است و از ویژگی خشونت آمیز این جنگ، تحمیل فرهنگ غربی به عنوان یک الگو برای پیروی از آنها است.

### **جنگ اقتصادی**

همزمان با حملات سیاسی، ونزوئلا همچنین هدف حملات اقتصادی قرار گرفت.

یک عنصر کلیدی در تجاوزات، حمله به پول ملی "بولیوار" بوده است که در اثر فقدان ارزش این واحد پولی، دستمزد ونزوئلایی ها نیز در این کشور کاهش یافت.

کاهش تولید ناخالص داخلی نیز ناشی از کاهش قیمت نفت است (در حال حاضر در حال بهبود کامل است)، که این امر منجر به کاهش بازار داخلی و افزایش بیکاری همراه با درآمد کم و دلیل اصلی بر مهاجرت ونزوئلایی ها از کشور شده بود.

علی رغم این جنگ اقتصادی، دولت انقلابی بولیواری، تعهد اجتماعی خود را حفظ کرده است و ۷۵ درصد از بودجه ای که برای رفاه مردم سرمایه گذاری کرده بود را محفوظ نگه داشته است.

## جنگ رسانه‌ای و دیپلماتیک

هرگونه جست و جوی اخبار دربارهٔ ونزوئلا در اینترنت، از طریق یک شرکت امریکائی با ارائهٔ اطلاعات نادرست صورت گرفته می‌شود.

به این ترتیب، اکثریت اظهاراتی که از کانال‌های تلویزیونی منتشر می‌شد بدون تحقیق و بررسی بر صحت آن خیر، منجر به توسعه یافتن اخبار دروغین علیه ونزوئلا شد.

زیرا دولت امپریالیستی امریکا سعی بر مخفی کردن وضعیت واقعی و انگیزه‌های سیاسی ونزوئلا داشته است. به طور خلاصه، سردرگمی در افکار مردمی دربارهٔ وضعیت داخلی ونزوئلا از سوی این رسانه‌ها ایجاد شد. گفته شده است که در پشت تمامی این اقدامات، دولت‌های سابق و کنونی امریکا قرار گرفته‌اند و این کشور امپریالیستی به دنبال این است که زمام امور ونزوئلا را به دست آورد و قصد ندارد که از قدرت جهانی‌اش کاسته شود.

## جنگ روانی

در حال حاضر ونزوئلا تحت محاصره است، همانطور که در طول تاریخ، کشورها و مکان‌های مهم به تسخیر درآمده و محاصره شده‌اند.

به این ترتیب، تاکتیک ضروری برای محاصرهٔ نظامی، جنگ روانی است که هدف آن تضعیف اعتماد به نفس در توانائی دفاع شخصی آن کشور است.

از جمله هدف دیگر از ایجاد جنگ روانی، تقسیم نیروهای مسلح و حمایت آنها از اقدامات کودتا گرایانه است که این امر منجر به جنگ داخلی و احتمالاً تقسیمات ارضی کشور می‌شود.

این جنگ روانشناختی تحت شایعهٔ دائمی "مداخلهٔ نظامی قریب الوقوع" و استدلال پوچ "کمک‌های بشردوستانه" پیش می‌رود.

در امریکای لاتین، به‌رغم پیوستن چندین دولت به اقدامات کودتا گرایانه، به نظر نمی‌رسد که دولتی خواستار درگیری مسلحانه با پیروزی مشکوک باشد.

با این حال، وضعیت جدی است. حماقت، اقدامات غیر منطقی و افراط‌گرایی برخی از دولت‌های منطقهٔ امریکای لاتین که در معرض تهدید جنگ قرار دارند، می‌تواند به عنوان متغیر خطرناکی محسوب شود و این امری نیست که بدون توجه از آن رد شد و آن را انکار کرد.

با این حال، این مردم هستند که می‌باید با افزایش اتحاد و همبستگی خود، صلح را در کشورشان ایجاد کنند و به تمامی محاصره‌ها علیه کشور خود پایان دهند.

## انگیزه‌های غیراخلاقی معمول در ونزوئلا

انگیزهٔ سیاسی و نامعقول به منظور اعمال حملات علیه ونزوئلا، بسیار متفاوت از حملات جنائی، استعماری نیست.

در کل، کودتاگران هیچ توجیهی را برای این گونه از اقدامات خود قبول نمی‌کنند.

در حالی که تمامی مخالفان و کودتاگران به دنبال دسترسی به ذخایر عظیم طبیعی این کشور مانند نفت، گاز، طلا، آهن و کلتان هستند و سیاست ستراتیژیک کشور امپریالیستی امریکا تنها بر محور تحریم و محاصرهٔ این کشور بولیواری می‌چرخد.

امریکا علاوه بر رسیدن به این هدف، هدف دیگری را نیز دنبال می کند و آن جلوگیری از روابط تجاری و سرمایه گذاری بین چین، روسیه و امریکای لاتین است، زیرا روابط تجاری میان آنها، هژمونی اقتصادی ایالات متحده و اروپا را در منطقه امریکای لاتین کاهش می دهد.

### **حال و آینده**

امپریالیسم غربی معتقد است، زمان آن فرارسیده است که به حکومت عظیم انقلاب بولیواری پایان دهد. درحالی که ونزوئلایها می باید مجدداً در برابر اقدامات خشونت آمیز و ریاکارانه مخالفان دولت انقلابی بولیواری ایستادگی کنند.

از سوی دیگر، قصد مردم ونزوئلا از حاکمیت کشور خود بیان شده است و تنها شرط این حاکمیت ایجاد صلح در کشور است و صلح شرط عدالت است.

صلح، عدالت و آزادی در ونزوئلا دیر یا زود منجر به سقوط قدرت امپریالیستی می شود که تنها محصول این قدرت امپریالیستی، ایجاد خشونت، اقدامات جاه طلبانه و سلطه بر ثروت کشورهای امریکای لاتین و از بین بردن رفاه اجتماعی این منطقه است .